

بازخوانی صورت فرمان ولیعهدی مظفرالدین شاه

● فاطمه اسفندیاری
کارشناس کتابداری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

مظفرالدین شاه، چهارمین پسر ناصرالدین شاه از سلسله قاجاریه است که در سال ۱۲۶۹ هـ. ق. بدنیا آمد. دو برادر بزرگتر او معین‌الدین میرزا و امیرقاسم‌خان که یکی بعد از دیگری به ولیعهدی رسیده بودند، هر دو در خردسالی فوت نمودند. پسر سوم ناصرالدین شاه مسعودمیرزا ظل‌السلطان^۱ سه سال از مظفرالدین شاه بزرگتر بود و چون مادرش از خاندان سلطنتی نبود به ولیعهدی نرسید. مظفرالدین شاه در ۱۲۷۴ هـ. ق. یعنی در پنج سالگی به ولایت‌عهدی انتخاب شد و تا سال قتل پدرش قریب چهل سال در ولیعهدی به سر برد. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و آمدن او به تهران، امین‌السلطان^۲ که قدرتی فوق‌العاده داشت همچنان به صدارت برقرار ماند. ولی مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۴ هـ. ق. او را معزول کرد و امین‌الدوله^۳ را از آذربایجان به تهران خواست و ریاست وزراء را در یازدهم ذی‌القعدة آن سال به او واگذاشت و در رجب ۱۳۱۵ او را به صدارت منصوب کرد؛ سپس به سال ۱۳۱۶ او را عزل کرد و مجدداً امین‌السلطان را به صدارت برگزید. وی از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۱ سمت صدارت را داشت تا این که در جمادی‌الآخر ۱۳۲۱ هـ. ق. او را عزل و سلطان مجیدمیرزا عین‌الدوله^۴ را به جای او صدراعظم نمود. مظفرالدین شاه در چهاردهم جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ هـ. ق. فرمان مشروطیت را صادر کرد و در ۱۴ ذی‌القعدة آنرا امضاء کرد و پنج روز پس از آن فوت کرد.^۵

اینک سندی که تقدیم خوانندگان محترم می‌شود در واقع متن صورت‌فرمان ولیعهدی وی است که به خط و انشاء میرزاسعیدخان وزیر دول خارجه است. این میرزا سعیدخان انصاری مؤتمن‌الملک^۶ که از افراد باسواد و با خط و ربط روزگار خود به‌شمار می‌رود، به تاریخ ۱۲۳۱ هـ. ق. متولد شد. وی که از ملاحای خوش خط و فاضل ایشلیق گرمورد آذربایجان محسوب می‌شد و در آنجا به ملامحمد سعید اشتیهار داشت، در ذی‌القعدة ۱۲۶۴ هـ. ق. که ناصرالدین شاه به همراه میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر بعدی) جهت جلوس بر تخت سلطنت عازم تهران بود، بر سر راه ایشان و در قریه باسمنج برای تقدیم عرض حالی به خدمت امیر رسید. به واسطه حسن خط و ربط او بود که امیر از میرزاسعیدخان خواست وارد خدمت درباری شود و هنوز به تهران

مظفرالدین‌شاه

نرسیده در یافت‌آباد منشی و کاتب اسرار وی گردید. به عبارت دیگر میرزا محمدسعید انصاری کاتب اسرار مکتومه و منشی رسائل خاصه شد. و تا زمانی که امیرکبیر بر سرکار بود احکام و دستورهای وی به خط زیبای میرزا سعیدخان صادر می‌شد. در ۱۲۶۸ هـ. ق. و به دنبال درگذشت وزیر دول خارجه از سوی ناصرالدین‌شاه، میرزا سعیدخان علاوه بر یافتن لقب خانی و دبیری مهام خارجه (کفالت وزارتخانه امروزی) ملقب به لقب (مؤتمن‌الملک) گردید. در ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ هـ. ق. نیز وزارت خارجه بر عهده‌ی او گذاشته شد. فرامین ولایتعهدی ولیعهدهای ناصرالدین‌شاه (سلطان محمود میرزا، معین‌الدین میرزا و

امیرمحمد قاسم‌خان) در سال ۱۲۶۵-۱۲۶۹ و ۱۲۷۴ هـ. ق. نیز به خط و انشاء اوست در ۱۲۷۶ هـ. ق. نیز عضویت شورای دولتی که توسط ناصرالدین‌شاه برپا شده بود، یافت و ضمناً اداره‌ی امور حکومتی کرمانشاه لرستان، نهاوند، خرقان، اداره‌ی تذکره، اداره‌ی راهسازی و امور ملل متنوعه اتباع ایران نیز به عهده‌ی وی محول و واگذار شد. در سال ۱۲۸۶ هـ. ق. حاکم گیلان شد. ۲ سال بعد هم در دارالشورای کبریا سمت مشاوره در مهام مملکتی یافت. از آنجا که بین وی و میرزااحسین‌خان مشیرالدوله که در این زمان صدراعظم شده بود، مناسبات دوستانه‌ای برقرار نبود، صرفاً با حمایت‌های شاه توانست سمت خود را حفظ نماید. در ۱۲۹۰ هم متولی‌باشی آستان قدس رضوی شد. ۷ سال بعد مجدداً وزارت خارجه یافت و در کل ۳۰ سال در این سمت سابقه خدمت داشت. اولین نظامنامه وزارتخارجه در دوره‌ی وزارت وی در ۱۲۹۹ هـ. ق. تنظیم شد. و نهایتاً به سال ۱۳۰۱ هـ. ق. در ۷۰ سالگی در تهران در گذشت و در حرم رضوی در قسمتی که دارالسعاده نام دارد، به خاک سپرده شد.

متن زیر چنانکه پیشتر اشاره گردید به خط و انشاء اوست که به همراه اصل سند آورده می‌شود.

«صورت فرمان ولیعهدی مظفرالدین‌شاه که از طرف ناصرالدین‌شاه، میرزا سعیدخان وزیر دول خارجه انشاء کرده است.»

فرمان همایون شد^۱ که سلطان ممالک امکان و سلطنت‌بخشای ملوک جهان مقدر ازمنه و عهدود و مصور اعیان وجود دانای نهان و آشکار ملک مهیمین جبارالذی فلایبری و قرب فشهدالنجوی تبارک و تعالی به اقتضای حکمت بالغه سبحانی و نعمت کامله‌ی ربّانی در هر عهدی از عهدود، هر قرنی از قرون نظام ساحات زمین را به وجود سلاطین عدل آیین منوط فرمود در رفاه امام و آباد و امان امصار و بلاد را در ضمن این تقدیر مقرر داشت. در این عهد فرخنده‌ی میمون و زمان مسعود ابر مقرون هم که باد تاد خلود مشید و استوار و با حال ابود مخلد و پایدار باد نیر ذات همایون ما را برای افاضه‌ی انوار معدلت و اضائه اصداد مرحمت از مطلع جاه و جلال فروزنده و طالع



الجسیم^{۱۶} گوهر پاک و اختر تابناک غصن رطیب دوحه‌ی تاجداری و فرع نهال روضه‌ی شهریاری نجم رخشان برج دولت لعل درخشان درج شوکت مفتاح ابواب فتوح مشکوه مصباح روح خجسته فرزند سعادت گرامی نور چشم اعزّ نامی مظفرالدین میرزا صاحب اختیار مملکت آذربایجان را به این مقام و محل منیع موصول و ولایت عهد و وراثت تاج و تخت سلطنت را به وجود مسعود او موکول فرمودیم و ذات فرخنده صفات فرزند معزی‌الیه را به واسطه این امتیاز عظیم و انتخاب جسیم که ثانی مقام خسروانی و تالی رتبه جهان بانی است به حیث لاتبغلیه ید و لدنیا آمد و مزید فرّ و شکوه ارزانی فرمودیم و از توفیقات حضرت حی متعال جلّ شأنه عن تطرق الوهم و الخیال^{۱۷} چشم آن داریم که نهال دولتش در جویبار تربیت ملوکانه نشو و نما نماید و پایه‌ی حشمتش به درجات قصوی ارتقا گیرد سنن نسیه‌ی ما را مقتضی شود و آثار علیّه ما را مقتدی آید بدانچه مرضات الهی را جالب است اعتیاد جودی و از هر چه بر وفق رضای اوست و همت احتراز نماید. و بالجمله در جمیع مکارم و سلب ذمایم و سیاست ملک و حراست خلق و بطش بجا و رفق به سزا و قبول پوزش و عفو لغزش و عقوبت ظالم و اعانت و دیگر آداب جهانداری و رسوم شهریاری نظربلند عالی و همت ارجمند متوالی گمارد و کذلک در پاسداری خدمت کل خدم و حق‌گذاری از قاطبه‌ی حشم و رعایت عموم رعایا و برایا که ودایع حضرت کردگار قدیر و صنایع قلم تقریرند جهد موفور و سعی نامحصور از آن فرزند بی‌مهال مایه‌ی مزید حشمت و اجلال و از اعظم مقاصد نیت همایون پادشاهی و اقدام موجبات مرضات الهی و سبب فوز و فلاح و باعث رشد و صلاح خواهد بود و برای حصول مقاصد همایون ما تأییدات خداوند بی‌چون ضمین و کفیل است آنه نعم‌المولی و نعم‌الوکیل^{۱۸} مقرر آنکه اعمام و اخوان کرام و منتسبان دولت ابد فرجام و وزرای فخام و امنای اعظام دربار گردون احتشام و خواص حضرت و خدام آستان معدلت آیت و رؤسای لشکر و حکام و ایالات کشور و جمیع اهالی مملکت از عالی و دانی و وضع و شریف فرزند معزی‌الیه را بالاستحقاق وارث گاه دیهیم خلافت و ولیعهد دولت ابد آیت دانسته اوامر و احکام اوراتالی^{۱۹} پادشاهی دانسته در عهده شناسند.

حرر فی شهر ذی‌قعدة ۱۲۷۸

بی‌نوشت:

۱. مسعودمیرزا پسر ناصرالدین‌شاه قاجار است. وی در سال ۱۲۶۶ هـ. ق. متولد شد و در ۱۲۷۷ لقب یمین‌الدوله یافت و در سال ۱۲۷۸ به حکومت مازندران، ترکمن صحرا، سمنان و دامغان منصوب گردید. در ۱۲۸۶ با لقب ظل‌السلطان حاکم فارس شد و جمعا سه بار به حکومت فارس رسید. در ۱۲۹۱ حکومت اصفهان یافت. در ۱۳۰۰ اصفهان، یزد، فارس، عراق، بروجرد، عربستان، لرستان، کرمانشاهان، کردستان، گلپایگان و خوانسار را در قلمرو داشت. ظل‌السلطان مقتدرترین شاهزاده‌ی قاجار در عهد خود بود. هم او بود که اغلب آثار هنری صفویه را در اصفهان محو نمود. وی تا سال ۱۳۰۵ هـ. ق. تقریباً لاینقطع حکومت اصفهان و به تناوب حکمرانی کلیه‌ی نواحی جنوبی و غربی ایران را به‌عهده داشت و عاقبت در سال اخیر مستعفی گردید. در زمان مظفرالدین‌شاه مجدداً به حکومت اصفهان و یزد منصوب شد. وی پس از چند سال انزوا به سال ۱۳۲۶ هـ. ق. در



از مشرق عزّ و اقبال درخشنده و لامع فرمود و اکنون به تأییدات بلا نهایات ایزدی ممالک فسیح‌المسالک دولت علیّه ایران را آفتاب ضیا گستریم و مهر ذره‌پرور به شکرانه‌ی چندین نعم و آلا و پاداش مراجع لدتحصی که قیامش نتوانیم و سپاسش ندانیم و ان تعدوا نعمت‌اله لاتحصوها^{۱۱} بر ذمت همت ملوکانه لازم و متحتم^{۱۲} فرمودیم که چندانکه سزاوار نصف شاهانه و رأفت خسروانه باشد در اقامه‌ی قواعد عدل و انصاف و رفع آثار جور و اعتساف و تشدید بنای دادگستری و اعلا‌ی لوای رعیت‌پروری مبالغت موخوره و مراقبات غیر محصوره مبذول داریم تا شکر نعمت حق را به حق ادا کنیم و بر متکای رحمتش اتکا نمائیم به شمیمه ستوده آبا و اجداد و شیوه‌ی حمیده‌ی نیاکان امجاد اناراله براهینهم^{۱۳} و قانون معمول پیشینیان اول و قاعده‌ی متداوله قاطبه دول ولدیت عهد سلطنت و وراثت تاج و تخت خلافت را که دو جزء اعظم مهام دولت است در مقام خود قرار دهیم و در محل خویش محکم و استوار فرمائیم تا مواهب شاهنشاهی نسبت به جمیع ممالک محروسه‌ی ایران کامل و مراجع بیکران نامتناهی شاهی را به عوان اله تعالی الی الابد^{۱۴} بر شامل نمائیم حصن حصین مملکت مصون از فساد و فتور اجانب شود و سیمای علیای سلطنت منطوقه‌ی لایسمعون الی الملاء الاعلی و یقذفون من کل جانب^{۱۵} آید سور سرور محیط اقطاع دولت باشد و خطبه ملک محاط انواع نعمت چشم فتنه به خواب رود و بنای ظلم خراب شود فلذلک الخطب العظیم و الامر

«باغ نو» اصفهان بدرد حیات گفت و جنازه‌ی او را به مشهد بردند. او مردی قسی‌القلب و درسیاست مجرمان شدیدالعمل بود. و از او کتابی به نام تاریخ مسعودی باقی است. علی‌اکبر دهخدا، «لغتنامه‌ی دهخدا»، ج دوازدهم (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۲۳)، ص ۱۸۴۳۷. و نیز ن. ک: مسعودمیرزا یا سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان، مهدی بامداد، «شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری»، ج چهارم، (تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۳۱)، صص ۷۸-۱۰۰.

۲. میرزا علی‌اصغرخان اتابک اعظم پسر آقا محمدابراهیم امین‌سلطان از رجال دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بود که در سال ۱۳۱۰ هـ. ق. به صدارت اعظم رسید و تا کشته شدن ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ هـ. ق.) در این سمت باقی بود. بعد از اینکه مظفرالدین‌شاه به سلطنت رسید معزول گردید و بار دیگر در سال ۱۳۱۶ به صدارت رسید و تا سال ۱۳۲۱ صدارت اعظم بود. در این سال استعفا داد و به اروپا رفت چون محمدعلی‌شاه به سلطنت رسید او را از اروپا دعوت نمود و به صدارت برگزید اما صدارت او طولی نکشید و در رجب ۱۳۲۵ به قتل رسید. علی‌اکبر دهخدا، همان، ج دوم، ص ۲۹۲۵. و نیز ر. ک: علی‌اصغر، مهدی بامداد، همان، ج دوم، صص ۳۸۷-۴۲۵.

۳. حاج میرزا علی‌خان دارای القاب (منشی حضور، امین‌الملک، امین‌الدوله) پسر حاج میرزا محمدخان سبکی مجدالملک امین‌الدوله در سال ۱۲۶۰ هـ. ق. متولد و خیلی جوان بود که در اداره یا وزارت رسائل (دفتر مخصوص شاهنشاهی) به خدمت پذیرفته شد و در سال ۱۲۷۵ هـ. ق. که حاج میرزا محمدخان سبکی (مجدالملک) پدرش که از کارمندان عالی‌مقام وزارت خارجه بود برای تصفیه امور معوقه بین دولتین ایران و عثمانی به بغداد مأمور شد، در این هنگام میرزا علی‌خان را که سنش در حدود ۱۵ سال و به سمت منشی‌گری وارد خدمت وزارت خارجه شده بود به همراه خود به بغداد برد. پس از بازگشت از بغداد چون خط و ربطش خیلی خوب بود ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۷۸ هـ. ق. که سن میرزا علی‌خان به ۱۸ رسیده بود دستور داد که سفرا و حضرا ملتزم خدمت باشد. در سال ۱۲۷۹ هـ. ق. در سن ۱۹ سالگی به سمت نیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید و در ضمن داشتن این سمت در سال ۱۲۸۳ هـ. ق. در سن ۲۳ سالگی در جزء پیشخدمتان و منشی حضور ناصرالدین‌شاه شده و از این تاریخ تا سال ۱۲۹۰ هـ. ق. که ملقب به لقب پدر زن خود پاشاخان امین‌الملک شد لقبش منشی حضور بود.

در سال ۱۲۸۸ هـ. ق. در سن ۲۸ سالگی چارخانه‌های دولتی (بستخانه) نیز به او سپرده شد. در ماه صفر ۱۲۹۰ هـ. ق. که ناصرالدین‌شاه برای اولین بار و اولین شاه برای هر نظری که بود به اروپا رفت میرزا علی‌خان منشی حضور نیز در این سفر همراه شاه بود. ناصرالدین‌شاه در ماه رجب همان سال پس از بازگشت و ورود به تهران تغییراتی در هیأت دولت خود داد در این تغییرات میرزا علی‌خان علاوه بر سمت وزارت رسائل به عضویت و نظامت مجلس شورای وزراء نیز نائل شد. پس از اینکه به جای میرزا محمدحسین دبیرالملک فراهانی به سمت وزارت رسائل منصوب شد در همین سال ملقب به لقب امین‌الملک نیز گردید. در سال ۱۲۹۳ هـ. ق. که ناصرالدین‌شاه در اعضای مجلس شورای دولتی خود تجدیدنظر نمود امین‌الملک را علاوه بر سایر مشاغلی که داشته به سمت مدیریت شورای مزبور نیز انتخاب نمود. در سال ۱۲۹۴ هـ. ق. تصدی امور ضرابخانه دولتی هم بر سایر مشاغلش افزوده گردید.

میرزا علی‌خان منشی حضور پس از فوت ناگهانی پاشاخان امین‌الملک مدیر شورای دولتی پدر زن خود که در تاریخ ۱۸ ذیحجه سال ۱۲۸۹ هـ. ق. در راه بین تهران و شهر ری از درشکه پرت شد و روز بعد درگذشت دارای لقب و شغل وی گردید و پس از فوت میرزا هاشم‌خان امین‌الدوله کاشانی در سال ۱۲۹۴ هـ. ق. لقب امین‌الدولگی به میرزا علی‌خان امین‌الملک تعلق یافت و نامبرده در شعبان سال ۱۲۹۹ هـ. ق. که وزیر طایف و اوقاف، رئیس اداره کل پست و مدیر دارالشورای دولتی بود ملقب به امین‌الدوله شد. مجلس دارالشورای کبری یا مجلس شورای وزراء یا مجلس دربار اعظم یک مجلس دولتی و تشریفاتی بود اسم داشت و لکن به هیچ‌وجه معنی نداشت فقط ولات و وزرای معزول برای این که از قلم نیفتند و فراموش نشوند حتی گاهی هم با تشبیهات و پول دادن به شاه به عضویت این مجلس انتخاب می‌شدند و در حقیقت مجلس ملاقاتی و کار گذرانی برای یکدیگر بود. اعضای آن هفته‌ای دوبار به این مجلس آمده پس از خوردن نهار و نوشیدن چای و کشیدن قلیان به خانه‌های خود برمی‌گشتند و برای وقت گذرانی رجال بی‌مصرف ایران مجلس بسیار خوبی بود.

از جمله اقدامات امین‌الدوله در موقع صدارتش استخدام چند نفر متخصص بلژیکی برای اداره امور گمرک بود اینان پس از عزل وی به تهران وارد شدند. امین‌الدوله همین‌طور در لشت نشاء اقامت داشت تا اینکه در سال ۱۳۲۲ هـ. ق. در سن ۶۲ سالگی درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. از کارهای امین‌الدوله تأسیس کارخانه آخرین سیستم قند کهریزک در بین راه تهران و قم با سرمایه داخلی و خارجی به وسیله مهندسی بلژیکی بود و بعد تأسیس کارخانه کبریت‌سازی در الهیه شمیران ملک خود و تأسیس مدرسه رشدیه

در تهران. امین‌الملک از مؤسسين اداره پست به سبک جدید است و سالیان دراز از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۹ هـ. ق. اداره مزبور تحت نظر وی بود و پیش از تصدی امین‌الدوله اداره پست را چاپارخانه و رئیس آنرا چاپارچی‌باشی می‌گفتند. با این که در آن زمان مرسولات پستی با گرده مال حمل می‌شد، در تمام خطوط بسیار مرتب و منظم بود و امین‌الدوله این کار را به خوبی اداره کرده بود. مهدی بامداد، همان منبع پیشین، ج دوم، صص ۳۵۴-۳۶۶.

۴. سلطان عبدالمجید میرزا بن سلطان عبدالمجید میرزا بن فتحعلی‌شاه قاجار. از رجال دوره مظفرالدین‌شاه است. وی در جوانی در دارالفنون تهران تحصیل می‌کرد. ولی بواسطه عدم کوشش در دروس از مدرسه اخراج شد و او را به تبریز نزد مظفرالدین‌شاه فرستادند. وی سپس در خارج از مدرسه به تحصیل خود ادامه داد و بخصوص در فن کتابت و انشاء مرتبتی بسزا تحصیل کرد. عین‌الدوله در دربار ولیعهد مرجع کارهایی شد و چون لیاقت او به سمع ناصرالدین‌شاه رسید او را به لقب عین‌الدوله مفتخر ساخت. مظفرالدین‌شاه میرزا نیز دختر خود انیس‌الدوله را به عقد او در آورد. مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۲۱ هـ. ق. علی‌اصغرخان اتابک اعظم را عزل کرد و مجمعی مرکب از پنج تن وزیر برای اداره امور مملکت تشکیل داد و چندی بعد داماد خود عین‌الدوله را به مقام وزارت داخله منصوب کرد و زمام همه امور را بدست او داد. یکسال بعد عین‌الدوله با لقب صدراعظم زمام امور کشور را به دست گرفت. نهضت مشروطه‌طلبان ایران در این زمان پیشرفت می‌کرد و خودسری و استبداد عین‌الدوله هم موجب تحریک ملیون گردید. جنبش مشروطه‌طلبان در بدو امر بصورت اعتراض به روش عین‌الدوله آغاز شد و مردم او را مسؤول قرضه‌های خارجی می‌دانستند. با حرکت مشروطه‌طلبان از تهران به حضرت عبدالعظیم، شاه به مردم قول داد که عین‌الدوله را از کار برکنار کند. عین‌الدوله که با سکتة ناقص شاه کلیه اختیارات را در دست داشت بر آزادیخواهان سخت گرفت و بسیاری از آنان را توقیف و تبعید کرد. مردم از این نشتند و به قم مهاجرت کردند و کسبه و تجار به سفارتخانه انگلیس پناهنده شدند و عزل عین‌الدوله و اعلام قانون اساسی و بازگشت مهاجران را از قم خواستار شدند. عاقبت شاه تسلیم مردم شد عین‌الدوله را برکنار کرد و میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله را بجای او منصوب کرد. عین‌الدوله پس از پنجاه سال زندگی سیاسی در سن هشتاد سالگی در هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۴۵ هـ. ق. در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم جنب مقبره نیکان خود مدفون گشت. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج دهم، ص ۱۴۵۴۱. و نیز ر. ک: سلطان عبدالمجید، مهدی بامداد، همان منبع پیشین، ج دوم، صص ۹۳-۹۹.

۵. ر. ک: علی‌اکبر دهخدا، همان، ج سیزدهم، ص ۱۸۶۱۹.

۶. پسرعموی میرزا مسعود انصاری ایشلیقی گرمردی وزیر خارجه محمدشاه قاجار بوده، و در زمان فتحعلی‌شاه بواسطه بودن عباس میرزا نائب‌السلطنه فرد میرزا قاجاریه در تبریز، مرکز سیاسی تبریز بوده و بیشتر سفراء در آنجا می‌زیستند به همین جهت هم بیشتر اعضای وزارت خارجه آذربایجانی بودند. مهدی بامداد، همان، ج دوم، ص ۶۶.

۷. ر. ک: اعتمادالسلطنه، محمدحسن، «تاریخ منتظم ناصری»، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷ ج ۳، ص ۱۹۶.

۸. ملقب شدن میرزا سعیدخان به مؤتمن‌الملک در منتظم ناصری جلد سوم صفحه ۲۱۳ در سال ۱۲۶۸ هـ. ق. و در نسخ‌التواریخ جلد سوم تاریخ قاجاریه صفحه ۵۹۷ در سال ۱۲۶۷ هـ. ق. ذکر شده است. مهدی بامداد، همان منبع پیشین، ج ۲، ص ۶۷.

۹. در منتظم ناصری جلد سوم صفحه ۳۳۳ تویشتن در ذی‌الحجه سال ۱۲۹۰ هـ. ق. و در دفتر آستانه رضوی صفر ۱۲۹۱ هـ. ق. ذکر شده است.

۱۰. طفرای «فرمان همایون شد» می‌باشد که گاه شاهان به جای ذکر نام و القاب خود ظنراهی مانند «فرمان همایون شد» یا «حکم جهان مطاع شد»، بکار می‌بردند که رسم نگارش و دستور مقام سلطنت بوده است.

۱۱. خداوند نعمت‌های بی‌انتهای به شما عطا فرمود. سورة ابراهیم/ آیه ۳۴.

۱۲. محتتم: در متن اصلی، این کلمه به معنی لازم و حتمی می‌باشد.

۱۳. جمله دعایی است. به معنی خداوند به نور براهانیش عظمت دهد.

۱۴. خداوند بلندمرتبه تا ابد، یاری کننده است.

۱۵. تا شیطاين هيچ از وحی‌وسخنان فرشتگان عالم بالا نشنوند واز هرطرف به قهر رانده شوند. سورة صافات/ آیه ۸.

۱۶. پس همانا خطبه بزرگ و فرمان بزرگی است.

۱۷. جمله دعایی است یعنی منزلت خداوند از گمان بدون به شک و خیال برتر و بزرگتر است.

۱۸. بدرستیکه خداوند بهترین یار و بهترین یآوری است.

۱۹. او را تالی: یعنی او را تابع، که در متن اصلی این دو کلمه به هم چسبیده نوشته شده که به نظر خواننده کلمه «اورتالی» می‌آید که البته ما در اینجا صحیح آن را آورده‌ایم که حاکی از پیروی و تبعیت حکم ولیعهد مانند حکم شاه از سوی مردم است.